**( 228 )**

**هو الابهی**

ای ناطق بثنای حضرت یزدان در موسم زمستان آنچه طغیان طوفان شدیدتر و باران و بوران عظیمتر در فصل نو بهار گلشن و گلزار طراوت و لطافتش بیشتر گردد و حلاوت و زینت چمن و لاله زار زیادتر شود گریه ابر سبب خندهء گل گردد و دمدمه رعد نتیجه‌اش زمزمه بلبل شود و شدت برد جمال ورد ببار آورد و طوفان سرد باغ را بشکوفه‌های سرخ و زرد بیاراید اریاح شدید منتج نسائم لطیف گردد و باد صبا شمیم گل حمرا گیرد سفیدی برف سبزی چمن شود و افسردگی خاک شکفته‌گی نسرین و نسترن گردد و پژمردگی شتا تری و تازگی بهاری شود و شدت سرما اعتدال هوا گردد سرو ببالد فاخته بنالد بلبل بخواند گل چهره برافروزد لاله ساغر گیرد نرگس مخمور گردد بنفشه مدهوش شود اشجار سبز و خرم شود و اوراق طراوت جوید ازهار بدمد اثمار نمودار شود گلشن مجلس انس شود و چمن محفل قدس گردد جمیع این فیوضات و تجلیات بهاری بر اثر مصیبات زمستانست و کل سرور و حبور گلشن و گلزار از اثر شدت برودت فصل شتا لهذا ای اسیر سلاسل و اغلال و رهین وثیق و سجن در راه پروردگار اگر چه در بلایای شدیده افتادی و در رزایای عظیمه گرفتار شدی کأس بلا نوشیدی و زهر ابتلا چشیدی بسا شبها که از ثقل اغلال نیارمیدی و بسا روزها که از اذیت اهل ضلال نیاسودی انیست صدمات قویه بود و جلیست بلیات شدیده امیدواریم که این مشقات جسمانیه راحت و مسرت روحانیه آرد و این آتش سوزان عوانان روح و ریحان قلب و وجدان آرد این عسرت علت مسرت گردد و این زحمت باعث رحمت شود و این نقمت سبب نعمت جاودانی گردد و این تنگی سجن گشایش جهان الهی شود قسم بسلطان وجود و عالم غیب و شهود که این بلیات سبیل محبوب از جان عزیزتر است و از شهد و شکر لذیذتر (ع ع)